

ارتباط مکان کنترل مادر و فرزند با پیشرفت تحصیلی *

گلرخ شلویری

کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی

مهرناز شهرآرای

دانشیار دانشکده علوم تربیتی

دانشگاه تربیت معلم

چکیده

در این پژوهش، رابطه مکان کنترل مادر (شامل گرایش‌های سه‌گانه درونی، افراد قدرتمند و شانس) و مکان کنترل فرزند با پیشرفت تحصیلی (معدل کل) مورد بررسی قرار گرفت. چهارصد نفر از دانش‌آموزان پسر و دختر پایه چهارم ابتدایی شهر تهران و چهارصد نفر مادران با سواد آنها به پرسشنامه مکان کنترل لونسون (IPC) و مقیاس مکان کنترل نوویکی-استریکلند پاسخ دادند. نتایج پژوهش نشان داد که در معدل کل دانش‌آموز، به ترتیب اهمیت، عوامل مکان کنترل بیرونی دانش‌آموز، مکان کنترل مادر با گرایش شانس و مکان کنترل مادر با گرایش درونی رابطه منفی با پیشرفت تحصیلی دارند. رابطه‌ای بین مکان کنترل بیرونی مادر با گرایش افراد قدرتمند و پیشرفت تحصیلی به دست نیامد. واژگان کلیدی: مکان کنترل، پیشرفت تحصیلی

مقدمه

پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان یکی از شاخص‌ها و ملاک‌های مهم کارآیی نظام آموزشی است و بنابراین تحلیل عوامل مربوط به آن از اساسی‌ترین موضوعات پژوهشی در نظام آموزش و پرورش به شمار می‌آید.

*. مقاله حاضر برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد است که در گروه روان‌شناسی، دانشگاه تربیت معلم تهران

پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان از عوامل فراوانی تأثیر می‌پذیرد. پژوهش حاضر، با هدف بررسی رابطه بین مکان کنترل دانش‌آموز، به عنوان یک متغیر شخصیتی، با پیشرفت تحصیلی انجام گرفت. با توجه به تأثیر خانواده - به ویژه مادر - در رشد شخصیت و گرایش‌های شناختی و انگیزشی فرزند، هدف دیگر پژوهش بررسی رابطه بین مکان کنترل مادر (منبع کنترل درونی - بیرونی، با گرایش شانس و افراد قدرتمند) و پیشرفت تحصیلی فرزند و تعیین سهم هریک از متغیرهای مکان کنترل مادر و مکان کنترل فرزند در پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی است.

مکان کنترل به اعتقاد افراد بر چگونگی کنترل محیط اشاره دارد. راتر^۱ (۱۹۹۶) در تعریف مکان کنترل می‌نویسد:

"انسان‌ها، مجموعه گسترده‌ای از باورها را درباره اشخاص یا اشیایی که پاداش‌ها و تنبیه‌ها را در زندگی‌شان کنترل می‌کنند، کسب می‌نمایند. برخی از افراد یک جهت‌گیری درونی پیدا می‌کنند؛ با این باور که تبحر، سخت‌کوشی، احتیاط و رفتار مسئولیت‌پذیر به پیامدهای مثبت و فقدان مهارت، تلاش و رفتار غیرمسئولانه به پیامدهای معکوس منجر خواهد شد. از سوی دیگر، برخی افراد جهت‌گیری بیرونی پیدا می‌کنند، با این اعتقاد که رویدادها از طریق شانس، قدرت دیگران و عوامل ناشناخته و غیر قابل کنترل تعیین می‌شوند. این افراد معتقدند که رفتار و نتیجه آن از یکدیگر مستقل‌اند و چنین نتیجه‌گیری می‌کنند که نتایج خارج از کنترل شخصی آنان است" (ص ۲۱۳).

در الگوی تک بعدی راتر، گرایش درونی و بیرونی دو قطب مخالف روی یک پیوستارند و افزایش گرایش به کنترل بیرونی به کاهش در گرایش به کنترل درونی می‌انجامد.* لونسون^۲ جهت رفع کاستی‌ها و نقایص دیدگاه راتر، الگوی چندبعدی ارائه کرد که در آن گرایش‌های درونی و بیرونی ابعادی مجزا در نظر گرفته می‌شوند و گرایش

1. Rotter

* - در پژوهش حاضر، منبع کنترل دانش‌آموزان با اتکا بر مبنای نظری راتر اندازه‌گیری شده است و لذا منبع

بیرونی تمایل به افراد قدرتمند و گرایش به شانس را در برمی‌گیرد.* در گرایش اول، اعتقاد به نظم جهان و کنترل کنندگی افراد قدرتمند مطرح است و در گرایش دوم باور به بی‌نظمی جهان و کنترل توسط شانس است (مایر^۱، ۱۹۸۶، ترجمه فراهانی، ۱۳۷۶).

مکان کنترل به عنوان یک متغیر شخصیتی در سال‌های اخیر، با توجه به جهت‌گیری‌های شناختی مورد توجه قرار گرفته است و پژوهشگران (شیفر^۲، ۱۹۸۳؛ توملینسون^۳، ۱۹۸۷؛ هورتاکسو و آنر^۴، ۱۹۹۳) دریافته‌اند که پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان تا حدودی به آن وابسته است. برخی از پژوهش‌ها (توملینسون، ۱۹۸۷؛ مقصود^۵، ۱۹۸۳؛ دساتی و الکساندر^۶، ۱۹۸۲؛ پرنا^۷، ۱۹۸۳) بین مکان کنترل درونی و پیشرفت تحصیلی به رابطه مثبت دست یافته‌اند و برخی دیگر (هاورتون و لین^۸، ۱۹۹۲؛ نان^۹، ۱۹۸۶) از رابطه منفی مکان کنترل بیرونی با پیشرفت تحصیلی حمایت می‌کنند. استاپیک و ویز^{۱۰} (۱۹۸۱) و حسن زاده (۱۳۷۳) نشان دادند که اگر دانش‌آموزان احساس کنند که کنترل یادگیری در دست خودشان نیست، کمتر درگیر تکالیف درسی می‌شوند و برانگیختگی و پیشرفت تحصیلی کمتری نشان می‌دهند؛ برعکس، کودکانی که معتقدند موفقیت تحصیلی آنها مربوط به تلاش آنهاست، بیشتر پیشرفت می‌کنند و در مقابل ناکامی و شکست بیشتر مقاومت می‌کنند.

استاپیک و ویز (۱۹۸۱) با مرور تحقیقات نیز نشان دادند، دانش‌آموزانی که باور دارند بر آنچه که برایشان اتفاق می‌افتد کنترل دارند، نمرات و رتبه‌های بهتری را در آزمون پیشرفت معیار به دست می‌آورند. بنابراین، به نظر می‌رسد که مکان کنترل، به مثابه یک تعیین‌کننده مهم رشد اجتماعی و شناختی، با تاثیرگذاری بر سازه‌های انگیزشی می‌تواند پیش‌بین مفیدی برای پیشرفت تحصیلی باشد.

*- منبع کنترل مادران با استفاده از پرسشنامه IPC اندازه‌گیری شده است، که مبتنی بر نظر لونسون است

1. Mayer

2. Schaefer

3. Tomlinson

4. Hortacsu & Uner

5. Magsud

6. Desanti & Alexander

روان‌شناسان در سال‌های اخیر بر کنش‌های متقابل کودکان با کسانی که مراقبت از آنان را بر عهده دارند، به‌ویژه مادر، تاکید کرده و ارتباط بین ابعاد مختلف شخصیتی مادر را بر رفتارهای فرزند مورد مطالعه قرار داده‌اند. از جمله این عوامل منبع کنترل مادر و اثر آن بر پیشرفت تحصیلی فرزندان بوده است (کارتون و نوویکی^۱، ۱۹۹۶). دمان، لداک و لابسریخ^۲، ۱۹۹۳؛ اینجر، هاورتون ولین^۳، ۱۹۹۳؛ گینزبورگ و برانستین^۴، ۱۹۹۳؛ مورتون^۵، ۱۹۹۷؛ هورتاکسو و آنر، ۱۹۹۳؛ لین^۶، ۱۹۹۵؛ راتر، ۱۹۶۶).

پژوهش گینزبورگ و برانستین (۱۹۹۳) نشان داد نظارت والدین بر تکالیف کودکان در منزل، واکنش منفی آنها نسبت به نمرات کودکان، درگیر نشدن در تکالیف (کمک نکردن به آنها)، پاداش خارجی و شیوه‌های کنترل بسیار شدید و یا بسیار کم با سبک انگیزش بیرونی و عملکرد تحصیلی پایین‌تر در کودکان رابطه مثبت دارد. از طرف دیگر، تشویق والدین و سوق دادن کودکان به سوی استقلال، خودتنظیمی و اعتماد به خود با سوگیری انگیزشی درونی و عملکرد تحصیلی بالاتر رابطه دارد.

تحقیق طولی شفر (۱۹۸۳) نشان داد که در مقایسه با والدینی که مکان کنترل بیرونی دارند، مادران دارای کنترل درونی، کودکانی با عملکرد بهتر تحصیلی دارند. مادران دارای منبع کنترل بیرونی به علت نوع شیوه‌های فرزندپروری و انتظارات متفاوتی که از کودکان خود دارند و نیز با فراهم آوردن نوعی جو روانی که مانع از استقلال طلبی، مهارت‌آموزی و اعتماد و اتکا به خود است بر عملکرد تحصیلی فرزندان خود اثری منفی دارند.

بنابراین، این پژوهش درصدد پاسخگویی به سوالات زیر بوده است:

- ۱) آیا بین مکان کنترل دانش‌آموز و پیشرفت تحصیلی (معدل کل) رابطه وجود دارد؟
- ۲) آیا بین مکان کنترل مادر (درونی، بیرونی - باگرایش شانس و افراد قدرتمند) و پیشرفت تحصیلی (معدل کل) رابطه وجود دارد؟
- ۳) سهم مکان کنترل مادر و مکان کنترل دانش‌آموز در پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی

(معدل کل) چه میزان است؟

آزمودنی‌ها

جامعه پژوهش شامل دانش‌آموزان دختر و پسر پایه چهارم ابتدایی شهر تهران در سال تحصیلی ۷۶-۱۳۷۵ و مادران آنها بود. نمونه پژوهش مشتمل بر ۴۰۰ نفر دانش‌آموز (۲۰۰ دختر و ۲۰۰ پسر) به همراه مادران آنها (۴۰۰ نفر و باسواد) است. این دانش‌آموزان از پنج منطقه آموزش و پرورش و از میان ۲۰ دبستان، به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند.

روش گردآوری اطلاعات

اطلاعات و داده‌های مورد نیاز این پژوهش، از طریق اجرای دو پرسشنامه روی دانش‌آموزان دختر و پسر پایه چهارم ابتدایی و مادران آنها گردآوری شده است. بدین منظور، پژوهشگر پس از اخذ معرفی‌نامه از روسای مناطق آموزشی منتخب در تهران، به دفاتر مدرسه‌هایی که به طور تصادفی برگزیده شده بودند، مراجعه کرده و پس از هماهنگی با اولیای مدرسه، در مدت یک ماه نسبت به اجرای پرسشنامه‌ها اقدام کرد. دانش‌آموزانی که از روی فهرست اسامی به طور تصادفی انتخاب شده بودند، پس از هماهنگی با معاونان و معلمان دبستان‌ها، در گروه‌های ۲۰ نفری در کلاس‌هایی گرد آمدند و بعد از ارائه توضیحات مقدماتی و ایجاد آمادگی‌های لازم، از آنها خواسته شد به پرسشنامه‌ها پاسخ دهند.

از مادران دانش‌آموزان انتخاب شده نیز پس از هماهنگی با مسئولان دبستان‌ها برای شرکت در جلسه‌ای دعوت به عمل آمد و پس از جلب موافقت آنان برای شرکت در پژوهش، و اطمینان دادن به آنان در مورد رعایت اصل محرمانه ماندن اطلاعات، و ارائه توضیحات مقدماتی، از آنان خواسته شد به پرسشنامه‌ها پاسخ دهند.

ابزارهای پژوهش

برای گردآوری داده‌ها از دو پرسشنامه "آزمون سنجش مکان کنترل لونسون با

گرایش درونی، افراد قدرتمند و شانس برای مادران^۱ و مقیاس مکان کنترل نویکی-استریکلند^۲ برای کودکان استفاده شد.

الف. آزمون مکان کنترل با گرایش درونی، افراد قدرتمند و شانس لونسون (IPC): این پرسشنامه از نوع مداد و کاغذی و شامل سه مقیاس فرعی و در مجموع ۲۴ ماده است. این سه مقیاس عبارتند از:

(۱) مقیاس درونی (I)^۳: این مقیاس شامل ۸ ماده است و میزان باور افراد به تحت کنترل داشتن زندگی خودشان را اندازه می‌گیرد. یعنی عامل کنترل آنها درونی است.

(۲) مقیاس افراد قدرتمند (P)^۴: این مقیاس نیز مشتمل بر ۸ ماده است و میزان باور افراد را به کنترل پیامدها توسط افراد قدرتمند اندازه می‌گیرد.

(۳) مقیاس شانس (C)^۵: این مقیاس ۸ ماده را در بر دارد و میزان باور افراد را به کنترل زندگی توسط شانس اندازه‌گیری می‌کند.

هر مقیاس به صورت لیکرت شش‌درجه‌ای تنظیم شده است و دامنه نمرات در هر مقیاس بین صفر تا ۴۸ در نوسان است. نمرات بالا در هر مقیاس نشانگر آن است که فرد انتظار بالایی از کنترل توسط ریشه مورد نظر آن مقیاس دارد (فراهانی، ۱۳۷۷).

نسخه فارسی این پرسشنامه توسط فراهانی (۱۹۹۴) تهیه شده است (برای اطلاعات بیشتر به فراهانی، کوپر و جین ۱۹۹۶ مراجعه کنید).

پایایی^۶ لونسون (۱۹۸۱)، نقل از فراهانی و همکاران، (۱۹۹۶) ضریب پایایی کودریچاردسون (KD-20)^۷ را برای هر یک از مقیاس‌های I، P و C به صورت جداگانه بین ۰/۵۱ و ۰/۷۷ گزارش کرده است. پایایی به روش دونیمه کردن با فرمول اسپیرمن-براون^۸ برای سه مقیاس I، P و C به ترتیب ۰/۶۲، ۰/۶۶ و ۰/۶۴ و پایایی به روش باز آزمایی به فاصله یک هفته بین ۰/۶۰ و ۰/۷۹ گزارش شده است.

1. Levenson Internal, Powerful -Others and chance Orientation Scales.

2. The Nowroki -Strickland Locus of Control Scale

3. Internal

4. Powerful others

5. Chance

پایایی نسخه فارسی پرسشنامه برای مقیاس‌های I، P و C به ترتیب ۰/۷۶، ۰/۵۶ و ۰/۶۷ بوده است (فراهانی و همکاران، ۱۹۹۶).

در این پژوهش، ضرایب پایایی به روش تنصیف برای مقیاس‌های I، P و C به ترتیب ۰/۳۱، ۰/۷۳ و ۰/۶۷ و ضرایب پایایی به روش آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۵۲، ۰/۷۱ و ۰/۶۸ به دست آمد.

روایی^۱ روایی همزمان یا تقارنی مقیاس‌های I، P و C از مقایسه با مقیاس درونی - بیرونی راتر و نیز مقایسه با مقیاس تمایلات اجتماعی مارلو-کراون^۲ (لونسون، ۱۹۸۲، نقل از فراهانی و همکاران، ۱۹۹۶)، پرسشنامه شخصیتی کالیفرنیا (CPI)^۳ و پرسشنامه شخصیتی ۱۶ عاملی کتل^۴ (PFQ) (برو - هرماندز^۵، ۱۹۷۹، به نقل از فراهانی و همکاران، ۱۹۹۶) گزارش شده است.

ب. مقیاس مکان کنترل نویکی - استریکلند: این مقیاس، آزمونی مداد و کاغذی و شامل ۴۰ پرسش است که آزمودنی با گذاشتن علامتی در پاسخنامه با بلی یا خیر به آنها پاسخ می‌دهد. نمره‌گذاری این پرسشنامه از طریق تطبیق با کلید آزمون و به صورت نمرات صفر و یک است. مجموع نمرات یک، نمره کل فرد در این آزمون را به دست می‌دهد که بین صفر تا ۴۸ خواهد بود. پرسشنامه به گونه‌ای تنظیم شده است که نمره بیشترنشانه سوگیری بیرونی تر در مکان کنترل است. این پرسشنامه توسط برومند نسب، شکرکن و نجاریان به فارسی برگردانده شده است (برومند نسب، ۱۳۷۳).

پایایی. ضرایب پایایی به دست آمده به روش تنصیف ۰/۴۷ و به روش آلفای کرونباخ ۰/۵ گزارش شده است (برومند نسب، ۱۳۷۳). پژوهشگر در این پژوهش برای محاسبه ضرایب پایایی از دو روش تنصیف و آلفای کرونباخ استفاده کرده است. ضرایب همسانی درونی به دست آمده به روش تنصیف ۰/۵۳ و به روش آلفای کرونباخ ۰/۶۴ بود.

روایی. ضریب همبستگی بین مقیاس مکان کنترل راتر و مقیاس مکان کنترل نويکي - استریکلند روش روایی همزمان $r=0/46$ گزارش شده است (برومند نسب، ۱۳۷۳).
 ج. کارنامه تحصیلی. از کارنامه ثلث سوم دانش‌آموزان، معدل کل به عنوان شاخص پیشرفت تحصیلی در نظر گرفته شد.

ارقام جدول ۱ نشان‌دهنده رابطه دو به دو متغیرهای پژوهش (ضرایب گشتاوری پیرسون) است:

جدول ۱. همبستگی‌های متقابل بین مکان کنترل مادر و فرزند و معدل کل

LOC	C	P	I	متغیر پیش‌بین
				متغیر ملاک
-۰/۱۳۳***	-۰/۱۲۸**	-۰/۰۹۷	-۰/۱۰۷*	معدل کل

* $P < 0/005$

** $P < 0/01$

۱) ضریب همبستگی بین دو متغیر مکان کنترل (LOC) و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان برابر با $-0/133$ و در سطح $0/005$ معنادار است. بنابراین می‌توان گفت که بین مکان کنترل بیرونی و پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان رابطه معکوس وجود دارد، یعنی دانش‌آموزان دارای کنترل بیرونی از پیشرفت تحصیلی کمتری برخوردارند.

۲) ضریب همبستگی بین دو متغیر مکان کنترل مادر با گرایش شانس (C) و پیشرفت تحصیلی فرزندان برابر با $-0/128$ و در سطح $0/005$ معنادار است. بنابراین نتیجه گرفته می‌شود که فرزندان مادران دارای مکان کنترل معتقد به شانس، پیشرفت تحصیلی کمتری دارند.

۳) ضریب همبستگی بین دو متغیر مکان کنترل مادر با گرایش درونی (I) و پیشرفت تحصیلی فرزندان برابر با $-0/107$ و از لحاظ آماری در سطح $0/01$ معنادار است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که فرزندان مادران دارای مکان کنترل درونی از پیشرفت تحصیلی کمتری بهره‌مندند.

بیشرفت تحصیلی فرزندان برابر با ۰/۰۹۷- و از لحاظ آماری بی معناست. بنابراین، رابطه‌ای بین این دو متغیر وجود ندارد.

نکته مشترک در تمام نتایج حاصل از محاسبات ضریب همبستگی دو به دو متقابل بین متغیرهای مستقل با متغیر وابسته این پژوهش، کم بودن مقدار آنهاست. اما با توجه به اینکه بسیاری از همبستگی‌های دویه‌دو بین متغیر وابسته با متغیرهای مستقل ممکن است ظاهری و جعلی باشد، لازم بود به کمک مدل رگرسیون چندگانه، تاثیر کل متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته به طور همزمان مشخص شود. برای این مبنای به منظور پاسخ دادن به پرسش پژوهش، تصمیم گرفته شد از روش تحلیل رگرسیون گام به گام استفاده شود. در این روش، تمامی متغیرهای مستقل (پیش‌بین) به ترتیب وارد معادله رگرسیون می‌شوند. ترتیب ورود این متغیرها به نحوی است که در ابتدا متغیری که بیشترین همبستگی را با متغیر وابسته دارد یا بیشترین مقدار واریانس متغیر ملاک را تبیین می‌کند (در اینجا مکان کنترل فرزندان) وارد معادله می‌شود. سپس بقیه متغیرهای پیش‌بین برحسب ضریب همبستگی تفکیلی یا نیمه تفکیلی در تحلیل وارد می‌شوند.

در این روش، پس از ورود هر متغیر جدید، ضریب تفکیکی یا نیمه تفکیکی تمام متغیرهایی که قبلاً وارد معادله شده به عنوان آخرین متغیر ورودی مورد بازبینی قرار می‌گیرد و اگر پس از ورود متغیر جدید) اثرش بر متغیر ملاک بی معنا شود، از معادله خارج می‌شود.

جدول ۲. خلاصه نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام برای پیش بینی پیشرفت تحصیلی دانش آموزان از روی متغیرهای مکان کتبرل دانش آموز و مکان کتبرل مادران آنان با گرایش‌های درونی، شانس، و افراد قدرتمند

مقدار ثابت	ضرایب استاندارد نشده				میانگین مجذوررات همبستگی				درجه	متغیر							
	a	b ₁	b _c	b _{loc}	loc	sig	F	R ²			R ²	R	تفکیکی	میانگین مجذوررات همبستگی	مجموع مجذوررات		
۱/۹۱			-۰/۰۵	۰/۰۰۸	۷/۱۶۶			۰/۰۱۸	۰/۱۳۳	۲/۸۰	۲۰/۰۸	۱۱۱۵/۰۱	۲۰/۰۸	۱۳۹۸	X _{loc}	کم	
۱/۹۴			-۰/۲۸	-۰/۰۵	۰/۰۰۱	۶/۹۲۰		۰/۰۱۶	۰/۰۳۴	۰/۱۸۴	۲/۷۶	۱۹/۱۱	۱۰۹۶/۸۶	۳۸/۳۳	۲۳۹۷	X _c	وم
۱/۸۷			-۰/۲۳	-۰/۲۵	-۰/۰۵	۰/۰۰۵	۶/۰۲۰	۰/۰۱۰	۰/۰۴۴	۰/۲۰۹	۲/۷۴	۱۶/۴۹	۱۰۵۵/۶۱	۹۴/۴۸	۳۰۳۶	X _I	وم

وجه: متغیر مکان کتبرل مادر با گرایش افراد قدرتمند به دلیل عدم همبستگی معنادار با متغیر ملاک وارد معادله نشده است.

بنابراین گفته شد، چون یکی از هدف‌های پژوهش حاضر پیش‌بینی یک متغیر ملاک (پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان) از روی چند متغیر پیش‌بین (مکان کنترل دانش‌آموزان، و مکان کنترل مادران آنان با گرایش‌های درونی، شانس، افراد قدرتمند) است، پس از انجام مجاسبات به وسیله بسته نرم افزار آماری کامپیوتری علوم اجتماعی (SPSS/PC⁺)، خلاصه نتیجه اجرای مدل رگرسیون گام به گام در جدول ۲ ارائه شده است.

ارقام جدول ۲ نشان دهنده نتایج زیر است:

۱) در گام یکم، وقتی که متغیر مکان کنترل فرزند (X_L) وارد تحلیل شود، اثر رگرسیون معنادار می‌شود ($P < 0/008$ و $F_{1,398} = 7/166$). بنابراین می‌توان گفت پیشرفت تحصیلی دانش‌آموز از روی مکان کنترل وی قابل پیش‌بینی است؛ یعنی هر چه مکان کنترل بیرونی تر باشد، امکان پیشرفت تحصیلی کمتر می‌شود. مقدار منفی ضریب استاندارد نشده رگرسیون (b)، نیز حاکی از رابطه منفی بین مکان کنترل بیرونی و پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموز است. اما نکته قابل ذکر این است که از روی متغیر (X_L)، فقط ۱/۸٪ واریانس متغیر ملاک پیش‌بینی می‌شود.

۲) در گام دوم وقتی که متغیر مکان کنترل مادر با گرایش شانس (X_C) وارد تحلیل شود، نتیجه تحلیل واریانس رگرسیون چندگانه به وجود رابطه منفی بین متغیرهای مکان کنترل فرزند و مکان کنترل مادر با گرایش شانس با پیشرفت تحصیلی فرزند (معدل کل نمره‌ها در ثلث سوم) اشاره می‌کند؛ زیرا اثر رگرسیون معنادار است ($F_{2,397} = 6/92, P < 0/001$). در اینجا ضریب تعیین یا مجذور ضریب همبستگی چندگانه بین متغیرهای یاد شده برابر با $R^2 = 0/034$ و نمو آن پس از ورود متغیر دوم (مکان کنترل مادر با گرایش شانس)، برابر با $R^2 = 0/016$ است. پس می‌توان گفت که ۱/۶٪ از واریانس متغیر پیشرفت تحصیلی به وسیله متغیر اخیر و ۳/۴٪ واریانس آن به وسیله ترکیب خطی از دو متغیر X_L و X_C پیش‌بینی می‌شود (سهم متغیر دوم یا X_C در پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی به میزان ۱/۶٪ است).

۳) در گام سوم وقتی که متغیر مکان کنترل مادر با گرایش درونی (X_I) وارد تحلیل می‌شود، نتیجه تحلیل واریانس رگرسیون چندگانه به وجود رابطه منفی بین متغیرهای

تحصیلی فرزندان اشاذه دارد، زیرا اثر رگرسیون معنادار است ($F_{3,396} = 6/02$ و $P < 0/0005$).

مقدار همبستگی تفکیکی متغیر سوم (X_I) برابر با $0/209$ و در سطح 1% معنادار بوده است و دلالت بر رابطه منفی بین مکان کنترل مادر با گرایش درونی با پیشرفت تحصیلی دانش آموز دارد.

در اینجا ضریب تعیین یا مجذور ضریب همبستگی چندگانه بین متغیرهای یادشده برابر با $R^2 = 0/44$ و نمو آن پس از ورود متغیر سوم (مکان کنترل مادر با گرایش درونی)، برابر با $1/1 = R^2$ است. از این رو، می‌توان گفت که یک درصد از واریانس متغیر پیشرفت تحصیلی به وسیله متغیر اخیر و $4/4\%$ واریانس آن، توسط ترکیب خطی از سه متغیر X_{LOC} و X_C و X_I پیش بینی می‌شود (سهام متغیر سوم یا X_I در پیش بینی پیشرفت تحصیلی دانش آموز به میزان $1/1 = R^2$ است). صورت کلی معادله پیش بینی پیشرفت تحصیلی از روی متغیرهای سه‌گانه فوق به شرح زیر است:

$$Y = 19/87 - 0/05X_{LOC} - 0/25X_C - 0/05X_I$$

در این معادله به ترتیب نمادهای Y معرف متغیر ملاک (پیشرفت تحصیلی یا معدل کل امتحانات ثلث سوم در پایه تحصیلی چهارم ابتدایی)، X_{LOC} معرفی مکان کنترل دانش آموز با گرایش بیرونی، X_C معرف مکان کنترل مادر با گرایش شانس و X_I معرف مکان کنترل مادر با گرایش درونی است. گفتنی است که متغیر دیگر مورد نظر در این پژوهش یعنی مکان کنترل مادر با گرایش افراد قدرتمند (X_P) به دلیل عدم رابطه با متغیر پیشرفت تحصیلی در معادله پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی وارد نشده است.

بحث

بر اساس نتایج این پژوهش بین منبع کنترل فرزند و پیشرفت تحصیلی او رابطه منفی وجود دارد، یعنی هرچه مکان کنترل دانش آموز بیرونی‌تر باشد پیشرفت تحصیلی او کمتر است. این نتیجه با یافته‌های پژوهش‌های هاورتون ولین (۱۹۹۲)، نان (۱۹۸۶) و حسن زاده (۱۳۷۳) هماهنگ است. برعکس، هرچه مکان کنترل دانش آموزان درونی‌تر باشد، پیشرفته تحصیلی آنان بیشتر است. این یافته با نتایج به دست آمده توسط

هماهنگی دارد.

وجود رابطه بین مکان کنترل و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان را می‌توان با توجه به سوگیری انگیزشی (درونی، بیرونی) تبیین کرد. انگیزش پیشرفت، نمونه‌ای از انگیزه‌ای است که به شدت تحت تاثیر عوامل شناختی از قبیل فرآیندهای اسنادی و سوگیری مکان کنترل است. (مک کانل و فیلیپ چاک، ۱۹۹۲). نتایج مطالعه ارلی و بارت^۲ (۱۹۹۱) نیز نشان داد که سازگاری با انگیزش بیرونی، از قبل کودکان را مستعد در ماندگی و رشد مکان کنترل بیرونی می‌سازد. در حالی که سازگاری با انگیزش درونی کودکان را برای رفتارهای پیشرفت‌گرا و پافشاری بر انجام تکالیف آماده می‌کند. آشکارا کودکی که رفتارهای پیشرفت‌گرا دارد، محتمل‌تر است که پیشرفت تحصیلی بیشتری داشته باشد. پس مکان کنترل به عنوان عامل اسناد مسئولیت از طریق تاثیر بر انگیزش پیشرفت و سوگیری آن می‌تواند در عملکرد تحصیلی موثر باشد.

در این پژوهش رابطه منفی بین مکان کنترل درونی مادر و پیشرفت تحصیلی فرزند به دست آمد، یعنی هرچه اعتقاد مادر به مکان کنترل درونی بیشتر باشد، فرزند وی پیشرفت تحصیلی کمتری نشان خواهد داد. این یافته با یافته پژوهشی شفر (۱۹۸۳) و گینزبورگ و برانستین (۱۹۹۳) مبنی بر آن که، مادران دارای کنترل درونی کودکانی با پیشرفت تحصیلی بالا دارند تفاوت نشان می‌دهد. این تفاوت در تحقیقات و همچنین وجود رابطه منفی بین مکان کنترل درونی مادر و پیشرفت فرزند را می‌توان به گونه‌های مختلف تبیین کرد.

تمایل فراوان مادر به کنترل می‌تواند به اضطراب و پیامدهای تحصیلی فرزند مربوط شود. تلاش در کسب کنترل، باور بیش از حد به خود کارآمدی یا تمایل بیش از اندازه به کنترل می‌تواند پیامدهای منفی در برداشته باشد؛ زیرا می‌تواند به اضطراب و مقصر دانستن خود منجر شود (شاپیرو، شوارتس و آستنی، ۱۹۹۶). کنترل افراطی مادر و باور بیش از حد مادر به خود کارآمدی توأم با عدم توجه به شرایط و یا حدود توانمندی کودک، می‌تواند کودک را مضطرب سازد و این اضطراب به طور منفی بر پیشرفت تحصیلی فرزند اثر گذارد.

از طرفی افراد دارای کنترل درونی نه تنها تمایل به مقاومت در مقابل نفوذ دیگران دارند، بلکه هنگامی که فرصت می‌یابند، کوشش بیشتری برای کنترل رفتار دیگران به خرج می‌دهند (فیرز^۱، ۱۹۶۵؛ نقل از فراهانی، ۱۳۷۷). افزون بر این، آنها افرادی را که به آنها اجازه تسلط بر آنها را می‌دهد دوست دارند و برعکس آنهایی را که این امکان را فراهم نمی‌کنند دوست ندارند (سیلورمن و شراگور^۲، ۱۹۷۰؛ نقل از فراهانی، ۱۳۷۷). این رفتارهای والدین می‌تواند به احساس اضطراب و ناامنی در کودکان منجر شود و در کاهش عملکرد ذهنی و پیشرفت تحصیلی موثر واقع شود.

ارتباط منفی مکان کنترل درونی مادر و پیشرفت تحصیلی فرزند را می‌توان با توجه به اثر کنترل افراطی مادر در رشد باورهای مکان کنترل بیرونی فرزند تبیین کرد. شخصی که دارای ویژگی واقعیت آزمایی است، از استعدادها و محدودیت‌های خود آگاه است. لازمه این ویژگی پرورش یافتن درخانه‌ای است که در آن فرد از محرک‌های آزارنده محافظت شود و حس کنجکاوی و آزادی وی برای کشف محیط افزایش یابد (لفکورت^۳، ۱۹۷۶؛ نقل از کارتون و نوویکی، ۱۹۹۶). کارتون و نوویکی (۱۹۹۶) معتقدند که کودکانی که در این جو روانی پرورش می‌یابند، بیشتر انتظارات کنترل درونی دارند، زیرا می‌آموزند که حوادث زندگی آنها ناشی از اعمال یا توانایی خودشان است. برعکس، کنترل افراطی توسط والدین، کودکان را مستعد این باور می‌سازد که حوادث زندگی آنان مربوط به عوامل خارجی از جمله اعمال والدین آنهاست. این با پژوهش دمان، لداک و لابریج (۱۹۹۲) هماهنگ است که نشان می‌دهد کودکانی که به وسیله والدین درونی کنترل می‌شوند، بیشتر مستعد گرایش به این باورند که افراد قدرتمند و شانس - مکان کنترل بیرونی - مسیر زندگی را تعیین می‌کنند.

بالاخره وجود رابطه منفی بین مکان کنترل درونی مادر و پیشرفت تحصیلی فرزند می‌تواند شاهد گویای این واقعیت باشد که نگرش‌ها یا باورهای مادران در مورد مکان کنترل آنها بازتابش کامل شیوه‌های تربیتی آنان نیست. گرچه این مطلب دلیل بر رد ارتباط ابعاد رفتاری، عاطفی و شناختی نگرش‌ها نمی‌باشد و ساده‌اندیشی است اگر از این یافته

نتیجه‌گیری شود که رابطه‌ای بین نگرش‌ها و رفتارهای والدین وجود ندارد. لذا باید توجه شود که نگرش‌ها متضمن تفکر، احساس و نحوه دلخواه رفتار نسبت به یک موضوعند. رفتار را آنچه که مردم مایل به انجام آنند تعیین نمی‌کند؛ بلکه آنچه را که به پندار خود باید انجام دهند، یعنی هنجارهای اجتماعی، آنچه را که معمولاً انجام می‌دهند، یعنی عادت و نیز پیامدهای مورد انتظار رفتار در تعیین نوع رفتار دخالت دارند. بنابراین، نگرش درونی مکان کنترل مادر نمی‌تواند دلیل بر این باشد که وی در شیوه‌های فرزند پروری نیز آنچنان عمل می‌کند که فردی با مکان کنترل درونی عمل می‌کند.

پژوهش حاضر بین مکان کنترل مادران با گرایش شانس و پیشرفت تحصیلی (معدل کل) فرزندان رابطه منفی نشان داد، یعنی هرچه باور و گرایش مادر به شانس بیشتر باشد، پیشرفت تحصیلی فرزند کمتر خواهد بود. این یافته با نتایج تحقیق شیفر (۱۹۸۳) هماهنگی دارد.

وجود رابطه منفی بین مکان کنترل مادران با گرایش شانس و پیشرفت تحصیلی فرزندان را می‌توان با توجه به روند اجتماعی شدن کودکان توجیه کرد. همان‌گونه که هترینگتون و پارک^۱ (۱۹۸۶) مطرح کرده‌اند، آنچه در درک و درونی شدن قوانین اجتماعی و درک رابطه علت و معلولی از سوی کودکان مهم و سازنده است، نحوه آموختن این قوانین به کودکان از طرف والدین است، به شیوه‌ای که کودکان بیاموزند که به خود به عنوان افرادی شایسته، موثر و کارآمد بنگرند و باور کنند که می‌توانند مسئولیت زندگی و فعالیت‌های گوناگون خود را در دست گرفته و بر رویدادها و مردم اثر بگذارند. این امر در صورت وجود رابطه محترمانه والدین و نیز پاسخگو بودن آنان به نیازها و خواسته‌های معقول کودکان میسر می‌شود. همچنین ایجاد قوانین ثابت برای فرزندان و تشویق کنترل درونی و اجازه آغازگری از سوی والدین، امر توانایی را تسهیل می‌کند. اعمال چنین شیوه‌ای از سوی مادرانی که خود، بزرگترین عامل تعیین کننده رویدادهای زندگی را شانس می‌دانند امکان‌پذیر نیست. این گونه افراد کمتر به وضع قوانین ثابت می‌پردازند و کمتر فرزندان خود را به کنترل درونی، تلاش و خودآغازگری تشویق می‌کنند. آنها در علت یابی موفقیت و شکست فرزندان خود به شانس و شرایط مدرسه

وامتحان، پیش از توانایی و تلاش فرزند خود بها می‌دهند و این از طریق کاهش احساس مسئولیت کودک و حس کارآمدی، می‌تواند بر پیشرفت تحصیلی اثر منفی گذارد. بالاخره فقدان رابطه میان مکان کنترل مادر با گرایش افراد قدرتمند و پیشرفت تحصیلی فرزند با یافته پژوهش طولی شفر (۱۹۸۳)، مبنی بر وجود رابطه منفی بین این دو متغیر هماهنگ نمی‌باشد.

در تبیین این یافته می‌توان به عدم هماهنگی کامل بین نظرات و نگرش‌های فرد در مورد مکان کنترل و شیوه‌های تجلی این گرایش در شیوه‌های فرزند پروری توجه کرد. مادری که در مکان کنترل دارای گرایش افراد قدرتمند است ممکن است به جای تشویق فرزند به تلاش افزون‌تر، استقلال، خودتنظیمی و تسلط مداری، بیشتر در پی استفاده از روش‌های نادرست برای رسیدن به پیشرفت فرزند خود باشد و این هدف را با استفاده از افرادی که دارای منزلت و جایگاه اجتماعی یا شغلی‌اند، مثلاً معلمان و مدیران مدرسه، دنبال کند.

تبیین دیگر را می‌توان با توجه به حوزه دفاعی یا غیردفاعی بودن درونی‌ها و بیرونی‌ها مطرح کرد. بیرونی‌ها ممکن است فقط از لحاظ کلامی خود را دارای گرایش به افراد قدرتمند بدانند ولی هنگام عمل شبیه درونی‌ها عمل کنند. این افراد که اصطلاحاً "بیرونی‌های دفاعی" نامیده شده‌اند، باور بیرونی را به عنوان وسیله‌ای برای حمایت از خود و توجیه شکست به کار می‌گیرند. این درحالی است که "بیرونی‌های غیردفاعی یا متجانس" نه تنها به صورت کلامی به باور بیرونی اعتقاد دارند بلکه بین کلام و عمل آنها همسانی - تجانس - وجود دارد (فراهانی، ۱۳۷۷ ب). با توجه به این استدلال، به نظر می‌رسد که برای تبیین دقیق‌تر یافته حاضر، نیاز به اطلاعات بیشتر در مورد ارتباط بین نگرش و عملکرد مادران دارای گرایش افراد قدرتمند داریم تا عدم ارتباط آن با پیشرفت تحصیلی فرزندانشان را روشن سازیم.

نتایج تحلیل واریانس رگرسیون چندگانه در مورد سهم مکان کنترل مادر و مکان کنترل دانش‌آموز در پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی نشان داد که $4/4\%$ واریانس متغیر پیشرفت تحصیلی، توسط ترکیب خطی از سه متغیر مکان کنترل فرزند، مکان کنترل مادر با گرایش درونی و مکان کنترل مادر با گرایش شانس قابل پیش‌بینی است. قدرت کم

است.

همان‌گونه که قبلاً" نیز اشاره شد، هر دو پرسشنامه به کار گرفته شده در این پژوهش عملاً" نگرش نسبت به مکان کنترل و نه مکان کنترل عملی و واقعی در محیط طبیعی را اندازه‌گیری می‌کند. با توجه به اینکه این نگرش‌ها یا باورهای لزوماً" بازتابش عمل واقعی آنان نیست، می‌توان انتظار داشت که همبستگی بین شرایط آزمون و شرایط طبیعی محدود شده و در نتیجه از قدرت پیش‌بینی متغیر وابسته - پیشرفت تحصیلی - توسط متغیرهای ملاک - منبع کنترل مادر و منبع کنترل فرزند - کاسته شود. این امر، به‌ویژه با توجه به " بیرونی بودن دفاعی" قابل تعمق است.

در تبیین داده‌های مربوط به منبع کنترل مادر و فرزند، توجه به روایی پرسشنامه‌ها نیز قابل تامل است. پرسشنامه منبع کنترل نویکی - استریکلند در برگیرنده چهل سوال نسبتاً" مشکل و پیچیده است. به‌رغم اینکه سعی شد سوالات برای آزمودنی‌ها روشن شود، این احتمال وجود دارد که به علت دشواری و ابهام در برخی از سوالات - به خصوص با توجه به توانش‌های ذهنی آزمودنی‌ها - پاسخها بازتاب کاملاً" درستی از منبع کنترل آنها نباشد. پرسشنامه از زویه دیگر نیز قابل بررسی است. گزینه بایست بودن پاسخها، می‌تواند دانش آموزان پایه چهارم را با تضادی روبه‌رو سازد که ماحصل آن اتخاذ تصمیم صحیح در مورد پاسخها نباشد.

در مورد پرسشنامه IPC، با توجه به اینکه ضرایب پایایی به‌دست آمده به روش تنصیف برای مقیاسهای C، I، P، به ترتیب ۰/۳۱، ۰/۷۳ و ۰/۶۷ و ضرایب پایایی به روش آلفای کرونباخ برای این مقیاس‌ها به ترتیب ۰/۵۲، ۰/۷۱ و ۰/۶۸ است، می‌توان نتیجه گرفت که ناهمگونی در سوالات می‌تواند موجب شود که واریانس پیشرفت تحصیلی با درصد کمتری توسط این متغیر مکان کنترل مادر - پیش‌بینی شود.

این پژوهش با افزایش شناخت ما از رابطه مادر - فرزند و تاثیر او بر سازه شخصیتی مکان کنترل و پیشرفت تحصیلی وی تلویحات بسیاری در بردارد که تعامل مناسب‌تر مادر و فرزند و پیشرفت آنان را در عرصه‌های گوناگون حیات، از جمله عرصه تحصیل تسهیل می‌کند و می‌تواند از افت تحصیلی که پیامدهای روان‌شناختی بسیار مهم برای دانش‌آموزان و اثرات نامطلوب اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی برای جامعه

پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی

۱. مطالعات پژوهشی لازم است که تغییر در انتظارات درونی و یا بیرونی را مورد بررسی قرار دهند. تاثیر تجربه‌های گوناگون، اعم از شیوه‌های فرزند پروری، جو خانوادگی، جو و شرایط کلاسی و شرایط آموزشی متفاوت امکان کنترل می‌تواند مورد پژوهش قرار گیرد.
۲. با توجه به اینکه افزودن ارزش به تلاش در افراد بسیار مهم است، لازم است فنون مناسب در ساخت آموزشی کلاس مورد بررسی دقیق قرار گیرد تا با شناخت آنها ارزش تلاش را بیشینه سازی نماید.
۳. همراه کردن برنامه‌هایی برای آموزش پیشرفت با برنامه‌های تربیتی برای تغییر انتظارات کنترل مناسب است. لازم است پژوهش‌هایی برای آموزش و افزایش انگیزش پیشرفت، مسئولیت‌پذیری و پشتکار طراحی شود.
۴. با توجه به اینکه مکان کنترل به منزله یک متغیر شخصیتی - اجتماعی متاثر از فرهنگ جامعه است، مطالعه تفاوت مکان کنترل میان فرهنگ‌های قومی گوناگون در ایران، ضمن فراهم آوردن اطلاعات ارزنده، پژوهشگران را به جستجوی علل این گوناگونی علاقه‌مند خواهد ساخت و چه بسا که پژوهشگران را با شیوه‌های فرزندپروری، تربیتی و آموزشی جدید و نقش آنها در مکان کنترل آشنا سازد. لذا، پژوهش‌هایی در زمینه تاثیر فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌های گوناگون بر این سازه، می‌تواند شناختی ارزنده را فراهم آورد.
۵. از آنجا که در این پژوهش، تنها مادر مورد نظر قوار گرفته است؛ پژوهش در زمینه نقش و تاثیر پدر بر شخصیت کودک، به‌ویژه بر مکان کنترل، کمک خواهد کرد که اطلاع ما از رابطه والدین و فرزندان گسترده‌تر شود. علاوه بر آن، لازم است به ارتباط بین مکان کنترل پدر و مادر و رابطه آن با مکان کنترل فرزند توجه شود. میزان تاثیر پذیری یا ارتباط مکان کنترل دختران و پسران از مکان کنترل والد هم جنس و غیرهم جنس نیز بررسی قابل توجهی است.
۶. از آنجا که نگرش‌ها الزاماً بازتابش مکان کنترل عملی در شرایط طبیعی زندگی نمی‌باشند، توصیه می‌شود مطالعاتی جهت بررسی این دو مقوله رفتاری یعنی نگرش و

۷. تجربه حاصل از این پژوهش نشانگر آن است که پرسشنامه نویکی استریکلند به علت ماهیت گزینه بایست آن، دشواری در درک بعضی از مفاهیم برای کودکان در دوره دبستان و دو بعدی بودن آن ابرازی مناسب برای گردآوری اطلاعات مکان کنترل نیست. برای استفاده بهینه از آن لازم است علاوه بر روشن تر شدن جملات، انجام آن با یک مصاحبه دارای ساختار همراه شود. در همین راستا، ساخت پرسشنامه‌ای برای کودکان که مکان کنترل را همچون پرسشنامه لونسون (IPC) به گونه‌ای چند بعدی بررسی نماید، می‌تواند اطلاعات دقیق و عینی تری از این سازه شخصیتی به دست دهد.

۸. برای ارتقای کیفی مواد فارسی پرسشنامه IPC توصیه بر آن است که در پژوهش‌های آتی، اقدامات بیشتری در جهت همگون کردن سوالات برای آزمودنی‌ها - با توجه به شرایط فرهنگی، اقتصادی - اجتماعی، سن، جنس - انجام پذیرد. اگر این بهبود حاصل شود خطاهای ناشی از ناهمگونی کاهش خواهد یافت و این امر می‌تواند موجب شود که واریانس پیشرفت تحصیلی با درصد بیشتری توسط این متغیر توجیه شود.

- برومند نسب، م (۱۳۷۳). بررسی رابطه جایگاه مهار و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان پایه سوم راهنمایی شهر درفول. مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز.
- حسن زاده دیزج، ر. (۱۳۷۳). بررسی رابطه بین مفاهیم انگیزشی (درونی - بیرونی)، منبع کنترل (درونی - بیرونی) و و پیشرفت تحصیلی پسران سال دوم شهر گرگان. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت معلم تهران.
- فراهانی، م. ن (۱۳۷۷ الف). "نظریه یادگیری اجتماعی راتر
- فراهانی، م. ن (۱۳۷۷ ب). روان‌شناسی شخصیت: نظریه، تحقیق و کاربرد.
- مایر، ر. ای. (۱۳۷۶). روان‌شناسی تربیتی: بر اساس رویکرد شناختی. جلد اول. ترجمه فراهانی، م. ن. انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه تربیت معلم تهران.
- Cartons, J. and nowicki., J.R. (1996). Origins of generalized control expectancies: Reported child stress and observed maternal control and warmth". *The Journal of social Psychology*, 136(6), 753-760.-
- Deman, A. F., Leduc, C. P. and laberche, G. L. (1992). Parental control in childrearing and multidimensional locus of control. *Psychological Report*, 10, 320- 322.
- Desanti, R., and Alexander, D. (1986). Locus of control and reading achievement: Increasing the responsibility and performance of remedial readers. *Journal of clinical reading research and program*. 2(1). 12-14.
- Enger, J. M., Howerton, D. and Lynn, C. (1993). " Internal/ external Locus of control, Self-esteem and parental verbal interaction of at-risk black male adolescents". *The Journal of social psychology*. 134(3). 269-274.
- Farahani, M. N. (1994). " The relationship of Locus of control, extraversion, neuroticism with the academic achievement of Iranian students". A thesis submitted in fulfilment of the requirements for the degree of doctor of

- Farahani, M. N. cooper, M., and J.P. (1996). " Is Locus of control: unidimensional or multidimensional? Data from persian translations of Rotter's I-E Scale and Levenson's I, P. and C Scales. *Psychological Research* 3(4). Printed in Iran.
- Ginsburg, G. S., and Bronstein, P. (1993). " Family factors related to children's intrinsic/extrinsic motivational orientation and academic performance". *Child Development*, 64(5). 1461-1474.
- Hetherington, E. M. and Parke, R.D. (1986). *Child psychology. A contemporary Viewpoint*. New York: Mc Grow- Hill book company.
- Hortacsu, N., and Uner, H. (1993). Family background, sociometric peer nomination and perceived control as predictor of academic achievement. *The Journal of Genetic psychology*, 154(4), 425-4.
- Howerton, D. and Lynn, E. K. (1992). " Locus of control and achievement of at-risk adolescent black males". Paper presented at the Annual meeting of Midsouth Educational Research association. TN. Knoxville.
- Lynn, E. K. (1995). Adolescent mothers: What factors related to level of preventive health care sought for their infants? *Journal of pediatric nursing*. 10(2). 105-113.
- Magsud, M. (1993). "Relationships of Locus of control to self-esteem, academic achievement and prediction of performance among Nigerian secondary school pupils". *British Journal of educational psychology*. 53(2), 215-221.
- Mc Connell, G. V. and Philipchall, R.P. (1992). "Understanding Human behavior 7th/ed.
- Morton, T. L. (1997). "The relationship between parental locus of control and children's perception of control". *Journal of Genetic psychology*. 158(2). 216-225.
- Rotter, J. B. (1966). " Generalized expectancies for internal versus external

80(1), Whole no 602.

Schaefer, E. (1983). Childrearing and child development correlates of maternal locus of control". Paper presented at the annual convention of the psychological association (91 st anaheim ST. Anaheim, California, August 26-30.

Shapiro, D. H. Schwartz, C.E., and astin, J. A. (1996). " controlling ourselves, controlling our world". *American psychologist*. 5(12), 1213-1230.

Stipek, D. J., and weisz, J.R. (1981). Perceived personal control and academic achievement". *Review educational research*, 51, 101-137.

Tomlinson, L, M. (1987). " Locus of control and effects on achievement".
Presented in psychological abstracts.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی